

وقایع التفافیه

ماهنامه ی فرهنگی _ اجتماعی
انجمن علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)
شماره دوم / اردیبهشت ۱۴۰۰



سخن سردبیر



مهديه احمدی

مدیر مسئول سردبیر نشریه
ی وقایع التفاقیه و دبیر
انجمن علمی دانشجویی علوم
اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)

بسمه تعالی

هر نشریه علمی _ فرهنگی بشارت دهنده ی
یک مسیر روشن برای آینده است . به خصوص
نشریات علوم اجتماعی و جامعه شناسی که
با ماهیت انتقادی خود به پیشرفت و ارتقای
جامعه کمک به سزایی دارد.

ما نیز با عنایت پروردگار تلاش کردیم قدمی در
این مسیر برداریم تا بتوانیم موثر واقع شویم.
جامعه شناسی را شاید بتوان تلاشی برای فهم
آنچه در جامعه و در تعاملات انسانی رخ می
دهد ، دانست. حقیقت امر این است که ما
برای داشتن زندگی سالم و روبه رشد نیازمند
شناخت و مطالعه هستیم.

در این نسخه از نشریه ی وقایع التفاقیه انعکاس
دهنده ی بخشی از رویدادهای هی هستیم که
شاید صحبت از آن ها لازم و مهم باشد .
امیدواریم مطلوب واقع شود.

سپاس از توجه شما
مهديه احمدی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

۳ / ظاهرت را می دانیم ،
درونت چیست؟

۴ / روز جهانی کتاب

۶ / سلبریتی های مجازی

۸ / خدمت سربازی

۱۰ / مطبوعات آزاد

۱۲ / تنوع فرهنگی،
ارتباط موثر

۱۴ / سایه ی سنگین کرونا

۱۵ / کتاب بخوانیم

شناسنامه

صاحب امتیاز:

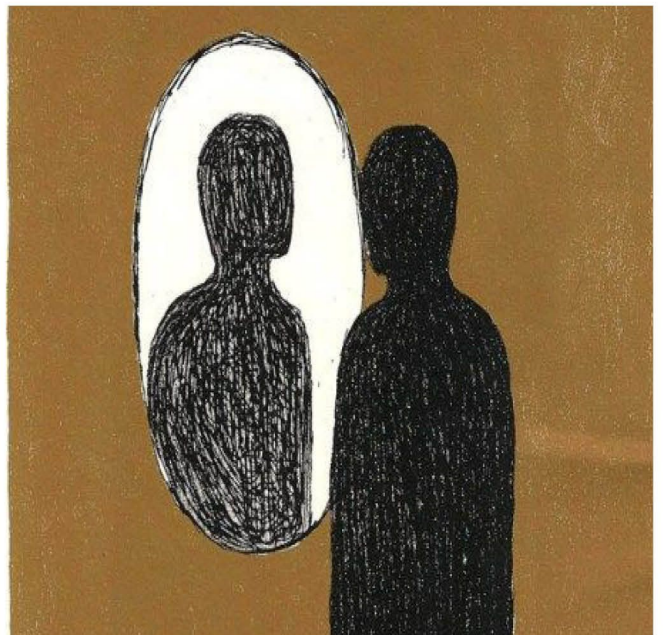
انجمن علمی دانشجویی
علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول و سردبیر:

مهديه احمدی

ویراستار:

زینب سادات حسینی فر



ظاهرت را میدانیم ، درون ت چیست...؟

مهديه احمدی

امان از روزی که احساس کنیم تمام تصوراتمون غلط بوده و اشتباه فکر میکردیم...
درباره ی یک اتفاق ، یک جبهه ی سیاسی یا یک فرد . آدمی زنده است با آموخته هایی که در دوران زندگی کسب کرده با خوب و بد هایی که برای خودش کشیده با تمام احساسات و تفکراتی که در موقعیت های مختلف شکل گرفته ، با علایق و اولویت ها. اما برای ما در این دوران متزلزل زیست مان ، در این جهان بر پایه معلق چه چیزی مانده جز آنکه نگاه کنیم و افسوس بخوریم. افرادی که با هنرشان به ما عشق دادن و ما احساس کردیم در این دنیای عجیب تنها نیستیم ، در هر زمانی با هر حال روحی ای با هنر و صدای آن ها حس خوبی گرفتیم و آرام شدیم ، اما به همان اندازه روزی که با چهره ی واقعی آن ها روبرو شدیم بیشتر در خودمان فرو رفتیم بیشتر فهمیدیم که تنهایییم. ما در این روزها ، روزهای عجیبی را پشت سر می گذاریم روزهایی که یکی پشت دیگری میفهمیم هوادار چه کسانی بودیم و چقدر در زندگی آنها به عنوان مخاطب ارزشمندیم.

این دوران بیشتر از هر زمان دیگری به ما نشان میدهد که دنیا هیچ نقطه ای برای تکیه کردن ندارد و جمله ی (از او بعید است) عجیب ترین جمله ی دنیاست چون از هرکسی هرکار برمی آید. امان از دقیقه هایی که نفسمان را گرفت ، امان از اعتماد هایی که در چند دقیقه به لجن کشیده شد . امان از اعتباری که در ۱۷ دقیقه از بین رفت و امان از دقایقی که افراد خود واقعی شان را نشان می دهند لحظه هایی که دیگر نه متنی وجود دارد نه تمرینی برای مظلوم نمایی... آنچه یک نفس را بر زندگی افرادی برتری می دهد درجه ی وصال و دوستی ست نه شهرت ، محبوبیت و اعتماد فردی . گرچه فکر نمیکنم در این دنیا نفسی بر زندگی ای ارجحیت داشته باشد و صاحب نفس با داد و قال آن را بیان کند. جوییدن نام و پیدا کردن شهرت دلیلی برای برتری نیست و تنها باعث می شود انسان با سرعت بیشتری به پایین سقوط کند.

شاید مهم ترین درس این اتفاقات برای ما این باشد که هیچ کسی ارزش تقدس بیش از اندازه را ندارد هیچ کسی در این دنیا خوب کامل نیست اگر هم فکر می کنیم اینطور است هنوز به باطن پی نبردیم همه ی ما در تنهایی کارهایی کردیم که با علنی شدن آن شاید نظر افراد تغییر کند البته که این تغییر بستگی به چند متغیر دارد نوع کاری که انجام دادیم ، استمرار آن کار ، پافشاری بر آن و در نهایت وقاحت ما در توجیه خودمان....در پایان باید بگویم من مخاطبی هستم که روزی با افتخار از سلایقم صحبت می کردم اما با حذف هر کدام ، انتخاب هایم کم و کمتر شد و فعلا باید از نو سازمان بدهم. ما چیزی نیستیم که در جمع میگوئیم ما چیزی هستیم که در تنهایی و در کنار نزدیک ترین افراد زندگی مان نشان می دهیم ...

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتند یافت می نشود جسته ایم ما
گفت آنک یافت می نشود آنم آرزوست



روز جهانی کتاب

یگانه بهزادفر

بهبود عملکرد حافظه، تقویت قوه ی تخیل و ادراک، کاهش استرس، بهبود مهارت های ارتباطی و توسعه ی تفکر انتقادی اشاره کنیم .

وضعیت مطالعه در ایران چگونه است؟

کتاب همان یارمهربانی است که از دوران کودکی به ما یادآور شده اند که از آن غافل نباشیم اما آمارهای منتشر شده از سمت منابع مختلف نشان میدهد که بر خلاف انتشار تعداد زیادی کتاب در زمینه های مختلف میزان مطالعه ی افراد در ایران بسیار پایین است. علت این امر چه میتواند باشد؟

یکی از دلایل آن فرهنگ کتاب خوانی است؛ این فرهنگ باید از دوران کودکی و در خانواده توسط والدین و سپس در مدارس ترویج شود اما متأسفانه در دنیای امروز و در پی درگیری با فضای مجازی شاهد آن هستیم که جمله ی « اینستا بعد کتاب» برای کودکان و نوجوانان بعضاً جذاب تر

۳۰ اردیبهشت (۲۳ آوریل) توسط یونسکو روز جهانی کتاب و حق مولف نامگذاری شده و از دلایل انتخاب این روز یکی سنت مردم کاتالونیای اسپانیا است که هر سال در این روز با فروش هر کتاب یک گل رز به خریدار داده می شود و از طرف دیگر تقارن آن با تولد یا مرگ تعدادی از نویسندگان و چهره های ادبی مشهور جهان نظیر : میگل سروانتس، ویلیام شکسپیر، اینکا گارسیلاسو دلاوگا، مانوئل وایه خو و ولادیمیر نابوکف و... از شخصیت های فرهنگی جهان است.

چرا کتاب بخوانیم؟

کتاب یکی از ابزارهای انتقال دانش است که طی سال های طولانی تجربه ها و اندیشه های افراد گردآوری شده. از فواید کتاب خوانی میتوانیم به ارتقای نقش فردی و اجتماعی و گسترش لایه های فکری افراد، آشنایی با مسائل زندگی و راهکارهای برطرف سازی آن، افزایش آگاهی،

مطالعه و جامعه

سقراط می‌گفت: جامعه وقتی فرزاندگی و سعادت می‌یابد که مطالعه، کار روزانه اش باشد به گفته ی یکی از جامعه شناسان جامعه ای که روز به روز میزان افراد باسوادش افزایش می‌ابند و سطح تحصیلات رشد جهشی دارد بطور طبیعی نیازش به کتاب و کتابخوانی بیشتر میشود. شواهد نشان میدهد که مردم جامعه با افزایش معلومات عمومی خود، علاقه مندی بیشتر نسبت به قبل به مطالعه نشان میدهند باین وجود جامعه ما از چند درد متفاوت رنج میبرد مانند فرهنگ کتابخوانی در میان نسل جوان، ورود نسخه های بیشمار از مطالب بی محتوا، نبود مطالب باکیفیت و... است، به همین دلیل وظیفه ی افراد فرهیخته و نهادهای کشور گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی است. یکی از مسائلی که باید یادآور شد رعایت حق نشر و ناشر (حق امتیاز) است که باید به رسمیت شناخته شود و محترم شمرده شود تا زین راه به گسترش اندیشه ها و فرهنگ کمک کنیم.

در آخر روز جهانی کتاب و کتابخوانی را به همه دوستداران کتاب و تمامی صاحب قلمان که سازندگان جهانی بهتر هستند، تبریک می‌گوییم و با نوشته ای از منتسکیو مطلب را به پایان میرسانم:

منتسکیو: من هیچ غمی نداشتم که خواندن یک صفحه کتاب از بین نبرده باشد. کتاب، عمر دوباره است. در دنیا لذتی که با لذت مطالعه برابری کند، نیست.

است و عده ای از والدین هم گویا مشکلی با این الگوسازی ندارند! بنا به نظر دکتر مجید حسینی اگر بخواهیم یک ساختار اقتصادی را در پس هر فرهنگ تصور کنیم میتوانیم بگوئیم که دغدغه ی فعلی افراد کم درآمد جامعه که قشر زیادی از مردم ایران را تشکیل میدهند رفع نیازهای اساسی و مادی زندگی است.

و در وضعیت سخت معیشتی این فکر که باید به ارتقای سطح فرهنگی توجه کنیم و یا هزینه ای برای آن کنار بگذاریم در ذهن این قشر جای خودش را به این فکر که چگونه باید معیشت خود را تامین کنیم میدهد. اگر هرم سلسله مراتب نیازهای آبراهام مزلو را تصور کنیم اگر ابتدا نیازهای اساسی مانند نیازهای مادی به مدت نسبتاً طولانی تامین نشوند فرد برای تامین نیازهای دیگر برانگیخته نخواهد شد. اما اگر صرفاً بخواهیم هزینه ی پرداخت کتاب را در میان قشر متوسطی که اوقات فراغت خود را با هزینه های هنگفت اینترنت و یا گذران وقت در فضاهای مجازی پرمیکنند در نظر بگیریم در پیشنهاد به این مسئله می‌خواهم بگویم که این افراد میتوانند با پرداخت اندک هزینه ای عضو کتابخانه شوند و یا از مقالات، نشریه ها و کتب رایگان که با رعایت حقوق ناشر و نویسنده در اختیار آنان قرار داده شده مراجعه کنند. از دیگر دلایل عدم مطالعه احساس عدم نیاز افراد به کسب آگاهی جدید است، شاید ما فکر میکنیم که بالارفتن سن و کسب تجربه برایمان کافیست اما مطالعه کتب مختلف به ما کمک میکند تا بتوانیم از دیدگاه های دیگر به مسائل نگاه کنیم و درک متفاوتی از آنها بدست آوریم. اینشتین میگوید: افکار و اندیشه های انسان به گونه ای است که ممکن است فقط خواندن یک کتاب پایه اندیشه ها و افکار انسان را بر مبنای جدید یا در مسیر خاصی قرار دهد و چه بسا ممکن است کتابی مسیر سرنوشت میلیون ها انسان را تغییر دهد.



سلبریتی های مجازی

الهه یقینی

چون خیلی از افراد عضو در فضای مجازی به صورت آگاهانه این افراد را دنبال می کنند و چون موفقیت و ثروت و خوشبختی ظاهری این افراد را می بینند می خواهند به هر نحوی مانند آنها شده و در آخر آنها را الگوی خود قرار می دهند و تمام سعی شان را می کنند که مثل آنها رفتار کنند مثلاً می بینند که این سلبریتی ها چه مارک لباسی را بیشتر می پسندند و می پوشند و یا حتی از چه وسایلی بیشتر استفاده میکنند و حتی برای خرید هر چیزی کجا را تبلیغ می کنند که واسطه آنها سایت ها و آنلاین شاپ یا برخی کمپانی ها معروف و مشتریشان بیشتر میشود و به به طور مشهود مصرف گرایی را به نوعی تبلیغ میکنند این قسمت بحث برای افرادی بود که به صورت آگاهانه و با شناخت کامل این صفحات را دنبال می کند و اما چرا غیر مستقیم؟!

خودمان معروفشان کرده ایم یا خودشان...!؟

بی شک همه ما در این عصر هوشمند عضوی از فضای مجازی هستیم و همه ما به نحوی با این فضا آشنایی کامل داریم در این بین برخی از ما در صفحات مجازی خود برخی سلبریتی ها را دنبال می کنیم چه سلبریتی هایی که به واسطه کار و هنرشان به شهرت رسیده باشند چه سلبریتی هایی که به واسطه پول و ثروت و سبک زندگی لاکچری شان مشهور شده باشند، ما آنها را دنبال می کنیم. اگر بخواهیم با خودمان رو راست باشیم چه به صورت مستقیم چه به صورت غیرمستقیم همه ما تحت تاثیر سبک زندگی و گاهاً صحبت هایی که این سلبریتی ها در صفحات مجازی خود به اشتراک می گذارند قرار می گیریم چرا میگوییم مستقیم؟!

چون الگوریتم برخی از برنامه های فضای مجازی مانند اینستاگرام برای اعضا سعی می کند صفحاتی را به نمایش بگذارد که جذاب تر و به نوعی ترویج کننده و از همه مهمتر پست ها و صفحاتی را نشان می دهد که دنبال کننده و لایک و نظرات بیشتر داشته باشد، فکر کنم که همه ما در این تله فضاهای مجازی گرفتار شده ایم که از روی کنجکاوی وارد صفحه یکی از سلبریتی ها شده و همین کنجکاوی باعث شده چندین ساعت ما صفحه آن فرد را زیر و رو کنیم در اینجا می توان گفت ما به نوعی گرفتار در این تله شده ایم و به صورت غیر مستقیم با سبک زندگی و چیزهایی که آن فرد سلبریتی به نمایش گذاشته است آشنا شده و گاهی به فکر فرو رفته ایم. در اینجا لازم به ذکر است که همه تبلیغات و پست های سلبریتی ها باعث انحراف و به نوعی بد نیستند و در بین آنها کسانی هستند که سبک زندگی و امور نیکو را ترویج و تبلیغ کنند. خوب یا بد همه ما به نوعی با سلبریتی های مجازی ارتباط داریم و تا آنجا که می دانید این سلبریتی ها از بودن ما در صفحه هایشان گاهی سودهای کلان می برند. آیا تا به حال به این موضوع دقت کرده اید که این ما اعضای معمولی فضای مجازی هستیم که این افراد را مشهور کرده ایم و باعث میشویم لقب سلبریتی به این افراد داده بشود یعنی می توان به جرات گفت این خود ما هستیم که اجازه میدهیم آنها سبک زندگی، پول و ثروت و گاهی کارهای ناهنجار انجام دهند. موضوع زمانی جالب می شود که همین افراد سلبریتی ای که توسط ما مشهور شده اند بعدها سبک زندگی ساده و معمولی ما را به سخره بگیرند و این موضوع باعث می شود برخی از افراد زود باور فضای مجازی برای این که نشان دهند با افراد معمولی فرق می کند شروع به الگو سازی ناصحیح کنند.

این مطلب یک مطلب علمی نیست که بخواهد به شما آمار و ارقام و دلیل و منطق درباره دنبال کردن این سلبریتی های مجازی بدهد، بلکه

این مطلب شما را دعوت می کند به تأمل درباره اینکه قبل از دنبال کردن صفحه مجازی یک سلبریتی خود چه سبک زندگی داشته اید و بعد از دنبال کردن آن سلبریتی سبک زندگی شما چه تغییراتی را شامل شد؟! همه ما می دانیم که در کشور ما کنترل هایی توسط مقامات نسبت به فضای مجازی صورت می گیرد اما این کنترل ها چه تاثیری و تا چه میزان بر چیزهایی که این سلبریتی ها در صفحات شخصی خود به نمایش می گذارند، داشته است؟ می شود گفت به میزان خیلی کم، پس الان می توان به قطع یقین گفت که کنترل اصلی به دست خودمان می باشد و باید هر شخص برای خودش فیلتری شخصی بسازد که تمام دنبال کننده ها اعم از سلبریتی و غیر سلبریتی از این فیلتر بگذرند تا بتوان از فضای مجازی نه برای تغییرات و الگو های بد بلکه برای رشد و نموده خود استفاده کنیم.

و در آخر این مطلب می خواهم این موضوع را مجدداً متذکر شوم که این ما هستیم که لقب سلبریتی را به اعضای فضای مجازی می دهیم و آنها به واسطه لقبشان چه مستقیم و چه غیر مستقیم در ما تاثیر می گذارند.



سربازی

زهرا قادر

سربازی، خدمت مقدس یا تلف کردن ۲۴ ماه از عمر!

بدون هیچ تردیدی سربازی رفتن برای جوانان کشور دغدغه بزرگی است و کم تر دیده و شنیده ایم که فردی با انگیزه کافی از سربازی رفتن صحبت کند. مسئله سربازی از سال های قبل از انقلاب در ایران و قبل از جنگ جهانی اول در جهان مطرح بود.

کشور ها همواره به دنبال تقویت نیروی نظامی بودند و تقویت نیروی نظامی در گرو تربیت سرباز برای پایگاه نظامی کشور بود. ولی قبل از نوع برخورد و تربیت سربازان مسئله این بود که چطور افراد را به سرباز بودن جذب کنند. یکی از راه حل های این مسئله اجباری کردن خدمت سربازی بود که شکل مدرن آن در سال های انقلاب فرانسه به کار گرفته شد. قدرت کشور فرانسه پس از این طرح در زمینه ارتش و نیروی نظامی از قرن ۱۹ به بعد کشور های دیگر را تشویق به اجرای این طرح در مملکت خویش کرد. اینک روند و فرایند چگونگی دافعه نسبت به سرباز بودن در ایران به چه نحو بوده است، بحثی مفصل است که در این متن نمیگنجد اما آن چیز که می خواهیم به آن پردازیم مقاوت جوانان در برخورد با این موضوع است و از طرفی این مقاوت سببه واقعی دارد یا نه. در شرایط سخت زندگی اقتصادی و اجتماعی فعلی در کشور، وضعیت یک پسر جوان در کشور بدین صورت است که اگر تصمیم به رفتن به دانشگاه داشته باشد، برای ۴ سال و اگر ادامه تحصیل دهد نهایتاً تا ۸ سال از کشور فرجه می گیرد تا درس بخواند و تا می تواند کار های خرد و بعضاً بی ارتباط با رشته اش انجام دهد. پس از این ۸ سال و به طور دقیق تر و کمک گرفتن از آمار ها، پس از این ۴ سال، جوان کشور موظف است که به سربازی برود و برای ۲ سال تمام اهداف و برنامه ریزی کاری و زندگی خود را به تاخیر بیندازد.

حال بیابید کمی دقیق تر شویم و ببینیم اگر جوانان مجبور به رفتن به سربازی شوند، عملاً چه آسیب هایی را شاهد خواهیم بود. در نظر بگیرید جوانی را که پس کنکور تصمیم میگیرید در دانشگاه شروع به تحصیل کنید و اتفاقاً در طی تحصیل خود در رشته مرتبط مشغول به کار می شود، حال این وقفه ۲ ساله سربازی آیا باعث نمی شود که جوان مشتاق و در اشتغال کامل فرصت شغلی و به تبع آن آینده خود را از دست بدهد؟!.

جبار همواره از مقولاتی بوده است که وقتی بر سر موضوعی قرار می‌گیرد، یک نوع احساس جاذبه نسبت به رعایت نکردن آن و دافعه نسبت به رعایت آن ایجاد می‌کند. پس لفظ اجباری بودن سربازی به تنهایی بار منفی بسیاری را ایجاد خواهد کرد. از طرف دیگر بحث آن مطرح است که در سربازی چه برنامه‌ها و آموزش‌هایی برای جوانان در نظر می‌گیرند و آیا این محتوا آموزشی مناسب و کارآمد هست یا نه و آیا اصلاً مقدار زمان سربازی با محتوا هماهنگ است یا نه. در سربازی به مدت ۲ ماه که دوره آموزشی نام دارد، انواع مختلف کارهای گروهی و رژه را آموزش می‌دهند و مختصری یادگیری کار با اسلحه. خوب سوال اینجاست که این دو ماه صرف آموزش می‌شود تا سربازان در صورت نیاز یگان‌های کشور و شرایط جنگ سخت برای کشور آماده بشوند و با توجه به محتوا آموزشی، این دو ماه کفایت نمی‌کند؟! اگر بله نیاز به ۲۲ ماه دیگر چیست که جز احساس تنفر نسبت به آن هیچ خیر دیگری ندارد! از طرفی آموزش زندگی در شرایط سخت نیز در همین دو ماه به قدر کافی اتفاق می‌افتد. وقت طلاست، بارها این جمله را شنیده ایم و به خوبی می‌دانیم که جوانی فرصتی است که اتفاقاً وقت و زمان نقش بسزایی در بهتره بردن از فرصت‌ها فراهم می‌کند و چیزی که مشخص است اتلاف وقت خیل عظیمی از جوانان پسر در دوران سربازی است. از طرفی یک برنامه منظم و مدون و ثابت نیز برای سربازی وجود ندارد و هر سال قوانین تغییر می‌کند. در سال‌هایی از قوانین کشور، دولت برای تامین بودجه خود سربازی را خریدنی اعلام کرد و هرکس که نمی‌خواست به سربازی برود می‌توانست آن را بخرد و نهایتاً کار پایان خدمت خود را بگیرد. این سیاست‌ها را تا حدودی مفید افتاد ولی برای افرادی که تمکن مالی برای پرداخت آن را نداشتند باز هم مشکل بود. بودن در سربازی استعداد و حرفه تخصصی سرباز را نیز ضایع خواهد کرد و افراد را ضمن متخصص بودن به کارهایی خارج

از حوزه رشته و تخصصشان وادار می‌کند. اجدا از تمام این مطالب بحث رفاهی و بهداشت در سربازی هم مطرح است و گاهی سلامت روانی و جسمانی سرباز را تهدید می‌کند. چون سرباز سرباز است به او احترام گذاشته نمی‌شود و این مستقیماً شان او را پایین می‌آورد. اگر سرباز متاهل باشد و به تمام دوره آموزشی خود را دور از خانواده اش باشد، آیا مشکلی برای خانواده او پیش نمی‌آید؟! اگر صاحب فرزند باشد و فرزند او ساعت ۳ صبح تبش بالا رود، همسرش بدون شوهر دچار سختی نخواهد شد؟! و...

تمام مطالب بالا در حکم آسیب شناسی سربازی برای سرباز و خانواده او بود. همگی می‌دانیم که تخریب و برهم زدن کلی مسئله سربازی، خارج از ذهن بوده و عملاً ناممکن است ولی آیا نمی‌توان با اصلاحات و برخی سیاست‌گذاری‌ها به بهبود وضع سربازان کمک کرد؟ پیشنهاد ما در این مورد برنامه ریزی راهبردی و مفید است که شامل طرح‌هایی است که بتواند به بازدهی و بهبود کمک کند. مثل طرح تغییر نگرش نسبت به نقش سرباز. یا طرح جبران خسارت اقتصادی و از دست دادن فرصت‌های شغلی سرباز، که او بداند از این لحاظ در امنیت است و نهایتاً قرار دادن سربازان در مکان مناسبشان که به خوبی استعداد‌های او را شکوفا سازد و از طرفی کاری انجام گیرد.

مهم‌ترین سرمایه هر کشور سرمایه انسانی است و اگر آن سرمایه انسانی جوان پر شور و پر انرژی نیز باشد ارزشش دوچندان خواهد بود. پس توصیه می‌شود قبل از اینکه اوضاع برای جوانان کشور بدتر شود فکری به حالشان کنیم و از سرمایه‌هایمان استفاده کنیم.



روز جهانی آزادی مطبوعات

زهرا سادات حسینی

سه مه و سیزده اردیبهشت هر سال در تقویم به نام روز آزادی مطبوعات نامگذاری شده است که اولین بار در سال ۱۹۹۳ در سازمان ملل و به پیشنهاد یونسکو این روز را به دلیل اهمیت بالای استقلال مطبوعات برای انتشار اخبار درست نامگذاری کردند زیرا که تمام افراد جامعه حق دارند که از اخبار بدون پرده و مسائل و مشکلات جامعه خود باخبر شوند متأسفانه کشور ما ایران در رتبه بندی های سالانه که توسط خبرنگاران بدون مرز پخش می شود پایین ترین رتبه را دارد

آزادی مطبوعات به این امر تاکید دارد که تمام مردم حق ابراز نظر دارند و می توانند دغدغه مند مسائل و مشکلات اجتماعی خود باشند مطبوعات گستره بسیار وسیعی دارد یعنی همانطور که می دانیم تنها به روی یک موضوع فوکوس نمی کند از مسائل اقتصادی و اجتماعی گرفته تا مسائل سیاسی و فرهنگی می تواند سوژه ی دست روزنامه نگاران شود.

اساس و هدفش ایجاد شفاف سازی و افشاگری از وقایع اجتماعی یک جامعه است یعنی آگاهی بخشی از مسائل اجتماعی و دادن راه حل هایی برای حل مسائل از طرفی دیگری ملزم هستند که در چارچوب هایی که هر دولتی برای آنها تعیین میکنند فعالیت کنند یعنی میتوان گفت که مطبوعات تیغ دولبه ای است که باید حد وسط را در انتشار اخبار رعایت کند بخواهم به زبان ساده تر بگویم رسالت مطبوعات یعنی رعایت باید و نباید های حکومت و دولت وقت و انعکاس مسائل و هم صدایی با مردمی که اعتمادشان سرمایه رسانه هست رسالت یک روزنامه نگار در مرحله اول نوشتن مسائل و مشکلات اجتماعی بدون هیچ سمت و سوی خاصی هستش که متأسفانه برخورد ایدئولوژیک با مطبوعات و سفارشی سازی بودن آنها باعث میشه که آزادی از مطبوعات گرفته شود. یکی از مشکلاتی که در ایران هست و میتواند از دلایل عدم آزادی مطبوعات در ایران باشد جناح بندی هست که بسیاری از مطبوعات دارند و سخنگوی یک جناح خاص و احزاب خاص هستند که با به روی کار آمدن هر جناح و حزب مطبوعات مخالف به شدت تحت فشار قرار میگیرند و عدم شفاف سازی بخاطر جناح بازی های خاصی که اتفاق میوفتد نتیجه اش میشود عدم اعتماد مردم به مطبوعات داخلی و اعتماد به مطبوعات خارجی.

در همین راستا کارل مارکس جامعه شناس سرشناس کلاسیک سانسور را به شدت نقد می کند.

جلوی شایعه پراکنی های را بگیرند و اطلاعات صحیح و درستی در مورد این بیماری را در دسترس عموم مردم قرار بدهند. انتظار می رود در شرایط کنونی که تمام مشکلات باهم تنیده شده اند از مسائل اقتصادی و اجتماعی گرفته تا کرونا مطبوعات یاید سعی کنند که با مطالبه گری خود و ایجاد جوشش و وحدت همگانی مردم و مسئولین را بسیج کند که در حل مشکلات یه همدیگر یاری برسانند.

این روز را به تمام روزنامه نگارانی که با محدودیت های موجود سعی میکنند بدون سوگیری خاصی و با تمام صداقت قلم در دست بگیرند را تبریک میگویم

به دلیل آنکه باید به جستجوی حقیقت و آزادی بود و روزنامه، تریبون و بلندگوی مردم است تا مشکلات و صدای طبقات و اقشار پایینی در جامعه شنیده بشود. همچنین جامعه شناسان مکتب فرانکفورت معتقد بودند که رسانهها در جهت اهداف دولت ها فعالیت میکنند و فرهنگ را تبدیل به صنعتی کرده اند که در راستای اهداف خود از آن استفاده کنند. شعار سازمان ملل برای روز آزادی مطبوعات در سال ۲۰۲۰ این بود که روزنامه نگاران نقش پادزهری را برای اینفودمی (گسترش اطلاعات غلط) دارند مخصوصا در شرایط حال حاضر جهان که اپیدمی مانند کرونا تمام کشورها را درگیر خودش کرده تمام مطبوعات باید



**WORLD
PRESS FREEDOM DAY
3RD MAY**



تنوع فرهنگی ، ارتباط موثر

زهرا قادر

برای رسیدن به توسعه ، تنوع فرهنگی را جدی بگیریم

نوامبر سال ۲۰۰۱ بود که در یونسکو بیانیه ای در باب تنوع فرهنگی صادر شد که نتیجه اش نام گذاری روز ۱۱ می مصادف با ۳۱ اردیبهشت ماه به نام روز جهانی تنوع فرهنگی شد. تنوع فرهنگی به معنای گوناگونی و تفاوت فرهنگ جوامع انسانی است. وقتی از تنوع فرهنگی حرف می‌زنیم منظورمان تفاوت فرهنگی بین کشورها نیست زیرا در خود مرزهای سرزمینی هم این نوع تنوع دیده می‌شود. مثلا در کشور خودمان ایران، بسیار زیاد خرده فرهنگ های رسمی و غیر رسمی وجود دارد که به دلیل کثرت آن، گاهی اصلا متوجه بعضی هایشان نیستیم.

تنوع فرهنگی همانند میراث بزرگ بشریت است که می‌توان به عنوان منبع بزرگی برای تبادل اطلاعات و ارتباط موثر از آن استفاده نمود. تنوع فرهنگی همانند تنوع زیستی زیبایی نیز به حساب می‌آید. از طرفی هر جامعه ای برای تحقق اهدافش باید از تمام منابع انسانی و مادی و معنوی و... استفاده کند تا به نتیجه مطلوب برسد. فرهنگ هر کشور و سرزمین از منابع بزرگ و مهم آن کشور به حساب می‌آید.

حال اگر با نگاه تنوع فرهنگی به این مسئله نگاه کنیم، میزان منبع فرهنگی کشوری مثل ایران که در زمینه تنوع فرهنگی، بسیار غنی است موفق خواهد شد تا آرمانها و اهداف خود را محقق سازد ولی به شرطها و شروطها و آن شرط پرداختن و اهمیت دادن به این موضوع است. نگاه کردن از دیدگاه تنوع فرهنگی به ما نگرشی می‌بخشد که می‌توانیم ضمن دیدن و درک تفاوتها، به گفتگو و تبادل نظر بپردازیم. در واقع هدف از داشتن همچین روز جهانی، این بود که گفتگو کردن و ارتباط برقرار کردن

برای تمامی فرهنگ ها از هرکدام که هستند، راحت تر اتفاق بیفتند. آشنا شدن و کار کردن در زمینه تنوع فرهنگی ضمن تمام اثرات مثبت، به نوآوری و خلاقیت نیز می انجامد. بدین صورت که وقتی در معرض گفت و گو و شنیدن و بررسی مسائل تازه تر و متنوع تر قرار میگیرم، ذهنمان به لحاظ خلاقیت نیز فعال میگردد و نوآوری های بیشتری در زمینه های مختلف صورت می گیرد. چه بسا بتوان در زمینه توسعه نیز از همین مسئله استفاده کرد. در دیدگاه و نگرش علمی، داوری ارزشی اساسا معنای درستی ندارد و اینگونه است که هر مقوله علمی به نوبه خودش دارای اهمیت و ارزش واقعی است. دیدگاه تنوع فرهنگی نیز به ما می فهماند ارزش و اهمیت هر فرهنگ برای خودش حفظ می شود

او ضمن تنوع ها می توان به گفتگو پرداخت چرا که گفتگو و ارتباط موثر خود شاه کلید اصلی حل مسائل است. گر بخواهیم کمی دقیق تر شویم می توانیم به بحث نسبی گرایي فرهنگی نیز پردازیم. نسبی گرایي فرهنگی می گوید که برای درک و فهمیدن هر نوع فرهنگ، باید در بستر و زمینه همان فرهنگ تلاش کرد و فهمید. درواقع باید عینک مخصوص هر فرهنگ را بزنیم تا از دید آن فرهنگ به درک آن پردازیم. برای نتیجه گیری باید گفت که اگر به دنبال رشد و توسعه و تحقق آرمان ها و اهداف ملی و میهن خود هستیم، نباید از نتایج سودمند پرداختن به تنوع فرهنگی غافل شویم همانا آبادانی در گرو داشتن مردمانی با تفکر ابادی است.





سایه ی سنگین کرونا

زینب سادات حسینی فر

قرمز را رد کردیم به سمت مشکی میرویم!

دیگر بیش از یک سال از ورود ویروس منحوس کرونا به کشورمان می‌گذرد. روزهای اول به امید گرم شدن هوا و رفتن این ویروس روزها را گذراندیم. طبیعتاً آن روزها زیر لب از زمین و زمان گلایه داشتیم، اما هر طور شده بود خودمان را با شرایط وفق دادیم.

چه نان‌ها و کیک‌ها که نپختیم!

رفته رفته هرکداممان در لاک تنهایی خود فرو رفتیم، عده‌ای خسته شدند و گفتند اصلاً کرونا چیست، عده‌ای هم به کار و زندگی خود با رعایت همه آن پروتکل‌هایی که همه می‌دانیم به زندگی ادامه دادند. ما نمی‌توان گفت زندگی عادی، همه ما با غمی پنهان در وجودمان دست و پنجه نرم می‌کردیم و با آنچه روزهای سختی گذراندیم و امید به بهبود

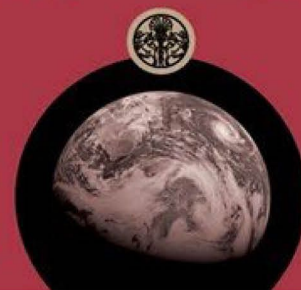
و سلامتی داشتیم. خبارهای ضد و نقیض حال و احوالمان تغییر می‌کرد. حالا یک سال و چند ماه از این ماجرا می‌گذرد و هر روز شاهد موج جدیدی هستیم، امواجی که همه ما را در خود خفه کرده و بلعیده اما کاری از کسی بر نمی‌آید. ناراحتی در قلب همه موج می‌زند، شهر در سکوت و آدم‌ها در تنهایی خود غرق شدند. روزهای اول ما دم از خلوت کردن با خود می‌زدیم و می‌گفتیم فرصت خوبی پیش آمد تا خودمان را بهتر بشناسیم اما حالا نمی‌خواهیم خودمان را بهتر بشناسیم! دیگر هرچه شناخت بود بدست آوردیم، هرچه کیک بود پختیم، هرچه کتاب بود خواندیم، هرچه فیلم بود دیدم و در این بین عزیزانی را هم از دست دادیم و طعم تلخ از دست دادن‌های کرونایی را چشیدیم. حالا دیگر رعایت کردن سخت شده، ماسک‌ها بر صورتمان چسبیده و جزئی از وجودمان شده، نفس‌ها در سینه حبس است و مانند دقایق نهایی فوتبال، مانند وقت اضافه و پنالتی احتیاج داریم به یک نفر که توپ را وارد دروازه کند و از این بلا تکلیفی نجاتمان دهد.
کاش خود خدا به دادمان برسد!

آنتونی گیدنز

جهانی شدن چگونه دنیای ما را شکل می‌دهد؟

جهان لغزنده است

علی عطاران



کتاب بخوانیم

زهرا قادر

(جهان لغزنده است) اثر آنتونی گیدنز

«جهان با شتاب پیش می‌رود و به پایان خودش نزدیک می‌شود» این نخستین جمله از کتاب جهان لغزنده است اثر گیدنز است. این کتاب در باب جهانی شدن و چالش‌های آن به قلم روان و خواندنی است. گیدنز نویسنده و متفکر علوم اجتماعی که در سال ۹ به ۱۹۹ صورت صوتی مجموعه مباحثی را در رادیو به ضبط برد، بعداً به صورت یک کتاب مدون به نام جهان لغزنده است، جهانی شدن چگونه دنیای ما را شکل می‌دهد، درآمد. در این کتاب که کم حجم هست و به ویراست دوم رسیده، مباحثی مطرح می‌شود که می‌گوید ما همراه با روند جهانی شدن و رشد بسیار سریع

جهان در زمینه‌های مختلف با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستیم. گیدنز معتقد است عصر ما همراه با علم و فناوری و تفکر عقلانی رشد کرده است که ریشه‌اش را می‌توان در عصر روشنگری قرن هفدهم و هجدهم جستجو کرد. گیدنز در این کتاب می‌گوید که جهانی شدن انواع ابعاد گوناگون را به همراه آورد مثل ریسک و عدم قطعیت. در واقع او معتقد است که جهان امروز بیش از آنکه تحت کنترل قرار گرفته باشد، غیر قابل پیش‌بینی شده است و عملاً از کنترل خارج شده است در واقع جهان لغزنده است! از چالش‌های علم فناوری گرفته تا تغییرات آب و هوایی ناشی از دستکاری انسان‌ها در طبیعت، در زمینه جهانی شدن قابلیت بحث و گفتگو دارد. گیدنز می‌گوید این مطلب که جهانی شدن در خدمت دغدغه‌های آمریکا و دیگر ملت‌های ثروتمند است تا حد زیادی صادق است و ایالات متحده را قدرت برتر جهان می‌داند چه از نظر فرهنگی و یا نظامی و اقتصادی. با این وجود او می‌گوید که جهانی شدن با آمریکایی شدن یا غربی شدن کاملاً متفاوت است. در واقع او معتقد است که مداخله کشور‌های غیر غربی زیاد شده است و شکل و آرایش قدرت در جهان تغییر کرده است. او در ادامه می‌گوید که در میان تغییرات در جریان جهان، تغییرات در زندگی شخصی مان بسیار مهم و حائز اهمیت است.

کتاب جهان لغزنده است در پنج فصل به نام‌های جهانی شدن، ریسک، سنت، خانواده و دموکراسی تدوین شده است. همان‌طور که گفتیم این کتاب از گیدنز در حجم کم و مناسبی است که به رغم صفحات کمش مطالب مفید و کافی دارد پس خالی از لطف نیست که این کتاب از نشر پارسه را بخوانید و لذت ببرید.



قصه نیستم که بگویی...
نغمه نیستم که بخوانی...
صدا نیستم که بشنوی...
یا چیزی چنان که بینی
یا چیزی چنان که بدانی....

من درد مشترکم
مرا فریاد کن
دستانت را به من بده
دست های تو با من آشناست...

زیرا که من
ریشه های تو را یافته ام
زیرا که صدای من
با صدای تو آشناست



[sociology_alzahra](https://www.instagram.com/sociology_alzahra)



[t.me/ sociology_alz](https://t.me/sociology_alz)